

## جنگ هیبریدی و جهاد تبیین

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محمد علی رنجبر\*

### مقدمه

جنگ‌ها در طول تاریخ همواره ترکیبی از شیوه‌ها، ابزارها و روش‌های متنوع بوده‌اند. جنگ نظامی بدون جنگ تبلیغاتی و تضعیف روحیه دشمن نمی‌تواند موفقیتی کسب کند؛ همان‌گونه که جنگ اقتصادی و تحریم بدون روایت‌سازی و ضعیف‌سازی روحیه رقیب نمی‌تواند کاری از پیش ببرد؛ بنابراین جنگ ترکیبی مسئله جدیدی نیست، بلکه در طول تاریخ همواره توسط قدرت‌ها استفاده می‌شده است. سؤال این است که چرا اصطلاح جنگ هیبریدی یا ترکیبی در عصر کنونی مطرح شده است؟ شاید یکی از مهم‌ترین دلایل این قضیه، ظهور ابزارهای نوینی همچون شبکه‌های اجتماعی و فضای اینترنت و توسعه رسانه‌های نوین در عصر حاضر است. این نوشتار به موضوع جنگ هیبریدی و جهاد تبیین که نوعی پاتک به این جنگ است، می‌پردازد.

### مفهوم و تاریخچه جنگ هیبریدی

«جنگ هیبریدی» به معنای ترکیبی از جنگ‌های مختلف با ابزارها و نیروهای متعدد برای عقب‌راندن استراتژی رقیب است؛ بنابراین جنگ هیبریدی دربرگیرنده همه انواع جنگ‌های نظامی، اقتصادی، تبلیغاتی، شهری، نفوذ نیروهای مختلف امنیتی و دیپلماتیک می‌شود. کنفرانس امنیتی مونیخ در سال ۲۰۱۵ نقطه عطفی در پذیرش جنگ هیبریدی در جایگاه مدلی جنگی بود. این کنفرانس چنان اعتباری یافته است که به آن «داووس امنیتی» می‌گویند. در این کنفرانس گفته شد جنگ‌های ترکیبی دربردارنده مؤلفه‌های مختلف جنگی است؛ جنگ اقتصادی، حمله سایبری، جنگ با نیروهای منظم، جنگ‌های نامنظم (چریکی)، جنگ اطلاعاتی و تبلیغاتی، حمایت از ناآرامی‌های داخلی و دیپلماسی، هشت مؤلفه ارائه‌شده درباره

\* دکتری علوم سیاسی، مدیر علمی کارگروه جهاد تبیین دفتر تبلیغات اسلامی، استاد حوزه و دانشگاه.

جنگ ترکیبی بوده است.

به طور کلی می‌توان گفت جنگ هیبریدی از دو خط موازی کنار هم تشکیل یافته است که این دو خط موازی به مثابه یک ریل، قطار اهداف دشمن را هدایت می‌کنند و می‌کوشند قطار رقیب را که ایستگاه به ایستگاه در حال حرکت است، عقب برانند.

این دو خط موازی عبارت‌اند از:

۱. واقعیت میدانی؛

۲. برساخت ذهنی و روایی.

دشمن تلاش می‌کند میدان واقعی مطابق میل او پیش رود؛ اما اگر اینگونه نبود، سعی می‌کند روایتی از واقعیات بسازد که به کلی وارونه و خلاف واقعیت یا با اندکی بهره‌گیری از واقعیت، اما با بزرگ‌نمایی و پروپاگاندا شده باشد.

به این بیانات رهبری توجه کنید:

تحریف واقعیت‌ها: «امروز یک سیاست قطعی رسانه‌های معاند جمهوری اسلامی و معاند اسلام این است که واقعیت‌ها را تحریف کنند و مشغول‌اند. دائم دارند کار تحویل می‌دهند در تحریف واقعیت‌ها و دروغ‌پردازی؛ خبرهای مربوط به جمهوری اسلامی را با انواع و اقسام دروغ‌ها (دروغ‌های حرفه‌ای، دروغ‌هایی که نشسته‌اند و روی آن کار کرده‌اند و حساب کرده‌اند) مَشوب (مخلوط) می‌کنند و آمیخته می‌کنند و چهره زشت و فاسد رژیم طاغوت را بزرگ می‌کنند و آرایش می‌دهند و هزاران جنایت و خیانتی را که آنها کردند، پوشیده نگه می‌دارند».

«در مورد انقلاب، هر چه می‌توانند چهره انقلاب را، چهره امام را، فعالیت‌های این چهل سال را مخدوش می‌کنند تا آنجایی که از عهده‌شان بر می‌آید سعی می‌کنند این را مخدوش کنند. از پیشرفت‌ها، از نقاط مثبت، نقاط قوت، مطلقاً نشانه‌ای در این مجموعه امپراتوری رسانه‌ای غرب شما مشاهده نمی‌کنید؛ کتمان حقایق».

«یک نقطه ضعف کوچک را صدبرابر بزرگ می‌کنند و نشان می‌دهند».

«امروز یک قلم بر این دیکتاتوری‌ها (سیاسی، اقتصادی....) افزوده‌اند و آن دیکتاتوری رسانه‌ای است؛ یعنی مثلاً فرض کنید که شما در مجموعه فضای مجازی اسم شهید سلیمانی را نمی‌توانید بیاورید، حذف می‌کنند. در فضای مجازی که

کلیدش دست آنهاست و زیر کلید آنهاست، تحمل اسم شهید سلیمانی را ندارند، تحمل عکس او را ندارند؛ امروز این جور است. البته قبلاً هم این دیکتاتوری‌ها بود.<sup>۱</sup> بنابراین با وجود اینکه جنگ هیبریدی اصطلاحی نو و جدید است، در طول تاریخ بشری وجود داشته است و دشمن می‌کوشید از این شیوه‌ها به گونه‌ی ترکیبی علیه جبهه حق استفاده کند تا واقعیت بیرونی را به گونه‌ی دیگری جلوه دهد تا این برساخت روایی تحریف‌شده، منجر به عقب‌نشینی و دست برداشتن از اهداف استراتژیکی شود.

برای نمونه با بررسی قرآن با چهار چالش بزرگ پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ روبرو می‌شویم که یکی از آنها چالش خارجی قریش است و سه چالش داخلی که عبارت‌اند از:

- ۱- اهل کتاب با محوریت یهودیان و مسیحیان مدینه؛
- ۲- سران اشراف و منافق و نفوذی‌های رخنه‌کرده در مدینه؛
- ۳- طبقات ضعیف‌الایمان که به شدت تحت تأثیر فضاسازی و تحریف اهل کتاب و منافقین

بودند.

قرآن گواهی می‌دهد در بسیاری موارد این چالش‌ها به گونه‌ی ترکیبی و هدف‌مند با هم حرکت می‌کردند تا حضرت رسول صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و اصحاب و یاران دست از اهداف راهبردی خود بردارند. برای مثال قبل از جنگ احد که حرکتی چالش‌برانگیز از سوی چالش خارجی یا قریش برای حمله به حکومت نبوی بود، اهل کتاب داخل مدینه از طریق منافقین، جامعه هدف‌شان را تحت تأثیر جنگ روانی قرار می‌دادند و توان‌مندی نظامی قریش را بیش از حد بزرگ‌نمایی می‌کردند و از سوی دیگر توانایی جبهه خودی را بیش از حد پایین جلوه می‌دادند تا اینگونه ترس و وحشت را در دل مؤمنین بیندازند و آنها را از ادامه مسیر بازدارند. خداوند با اشاره به یک جریان نفوذی و جریانی از اهل کتاب که می‌کوشید بین مسلمین نفوذ کند و آنها را از مسیر تبعیت از قرآن و حاکم سیاسی جامعه، یعنی رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ که عزم جنگ با مشرکین دارند، منحرف کند و سد سبیل کند، خطاب به پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَصُدُّونَ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ مَنْ آمَنَ تَبْغُونَهَا عِوَجًا وَأَنْتُمْ شُهَدَاءُ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ»<sup>۲</sup> بگو ای اهل کتاب، به چه سبب آنها را که ایمان آورده‌اند از راه خدا باز می‌دارید و می‌خواهید که به راه کج روند؟ و شما خود به زشتی کار خویش آگاهید و خدا نیز از آنچه می‌کنید، غافل نیست.

1. <https://farsi.khamenei.ir/print-content?id=49572>

۲. آل عمران: ۱۰۰.

در واقع تلاش جبهه دشمن این بود که با دو خط موازی میدان واقعی و برساخت ذهنی که مثلاً هر کدام از لشکریانی که دشمن (قریش) از حبشه خریداری کرده است، ده نفر از شما را حریف‌اند؛ مؤمنین را دچار چالش جدی کند و از این طریق به اهدافش برسد و آنها را به اطاعت از خود وادار کند.

مسئله‌ای که امروزه نیز همین‌گونه است و آمریکا تلاش می‌کند از طریق نفوذی‌های داخلی، مردم و مؤمنین درون نظام اسلامی را دچار سست‌عنصری و اطاعت‌نکردن از مسیر درست کند. همچنین در جنگ احزاب وقتی منافقین صحنه آرایش جنگی دشمن و انباشت و اتحاد احزاب را در برابر جبهه حق دیدند، دچار ضعف تحلیل شدند؛ حتی نسبت‌های ناروایی به خداوند و حضرت رسول ﷺ دادند و اینگونه جریان تحریف به کمک جریان تحریم و محاصره جنگی دشمن آمدند. آیات ۱۱ تا ۱۳ سوره احزاب به این ماجرا اشاره دارد.

### اهداف راهبردی در جنگ هیبریدی آمریکا علیه ایران

همان‌طور که گذشت، جنگ هیبریدی بر روی دو ساحت واقعیت میدانی و برساخت روایی متمرکز است. بنابراین آمریکا در واقعیت میدانی یک کلان‌استراتژی دارد و در ساحت روایی نیز یک کلان‌روایت کلی از ایران را دنبال می‌کند.

### راهبرد میدانی آمریکا در برابر ایران

حیاتی‌ترین و کلیدی‌ترین نقطه دنیا غرب آسیاست؛ جایی که هر قدرتی آن را در اختیار داشته باشد، می‌تواند حاکمیت دنیا را در اختیار داشته باشد. جالب اینکه در غرب آسیا مهم‌ترین کشور از حیث‌های مختلف ایران است؛ بنابراین آمریکا برای ایران قبل از انقلاب نقشی مثبتی بر راهبرد و استراتژی جهانی ایالات متحده تعریف کرده بود؛ اینکه ایران «حافظ منافع» آمریکا در خاورمیانه یا غرب آسیا و ژاندارمی که نقطه ثقل سیاست‌های آمریکا برای تداوم نظم آمریکایی باشد. با پیروزی انقلاب اسلامی و استقلال راهبردی که نقطه کلیدی انقلاب اسلامی است و طراحی نقشی جدید برای ایران مبتنی بر اهداف راهبردی انقلاب، آمریکا مهم‌ترین شریک راهبردی و کشور منطقه را از دست داد؛ از این‌رو راهبرد میدانی آمریکا در طول این سال‌ها همواره بازگرداندن ایران به نقش راهبردی پیش از انقلاب است. آمریکا ایرانی را می‌خواهد که ذیل استراتژی جهانی آنها حرکت کند، نه اینکه خودش استراتژی و کنش‌گری مستقلی در مقابل آنها داشته باشد. در حقیقت یک گاو شیرده که نفت و گازش را بفروشد و تبدیل به دلار کند و با آن دلارها تجهیزات نظامی از آمریکا خریداری کند و آن وقت با آن تجهیزات منافع آمریکا را در

منطقه حفظ کند؛ نکته‌ای که متأسفانه بسیاری از نخبگان به آن توجه ندارند.

در طراحی و اجرایی کردن این هدف راهبردی، هر دو حزب آمریکایی متفق‌القول هستند و تنها تفاوت آنها در شیوه اجرایی این راهبرد است. جمهوری خواهان شیوه دفعی و فشار حداکثری برای تغییر رژیم را دنبال می‌کنند؛ اما دموکرات‌ها با شیوه تدریجی به دنبال استحاله درونی نظام ایران هستند. برای دستیابی به این هدف راهبردی در عرصه میدان تلاش‌های زیادی در طول ۴۳ سال بعد از پیروزی انقلاب اسلامی انجام شده است که همه آنها در میدان شکست خورده است. برخی از این تلاش‌ها عبارت‌اند از:

۱- نفوذ در نهادهای تصمیم‌ساز و تصمیم‌گیر دولت موقت و دولت بنی‌صدر برای استحاله درونی که با تسخیر لانه جاسوسی در زمان دولت موقت و هوشیاری امام در عزل بنی‌صدر و به دنبال آن طرح عدم کفایت او در مجلس با شکست روبرو شد.

۲- حمله نظامی به صحرای طبس برای پایان‌دادن به جمهوری اسلامی که اسیر طوفان شن شدند و شکست خوردند.

۳- تحریک، حمایت و کمک همه‌جانبه به صدام برای حمله نظامی به ایران که بعد از هشت‌سال جنگ تحمیلی مجبور به پذیرش شکست شدند.

۴- تجهیز کامل منافقین و هدایت آنها برای حمله به خاک ایران که اسیر عملیات غرورآفرین مرصاد شدند و شکست خوردند.

۵- شروع یکی از پیچیده‌ترین پروژه‌های چندوجهی بعد از جنگ تحمیلی با عنوان پروژه نرمالیزاسیون ایران برای آمریکا از طریق برخی نخبگان درون نظام.

۶- شکست در جنگ‌های امنیتی برای ناامن‌سازی جامعه ایرانی.

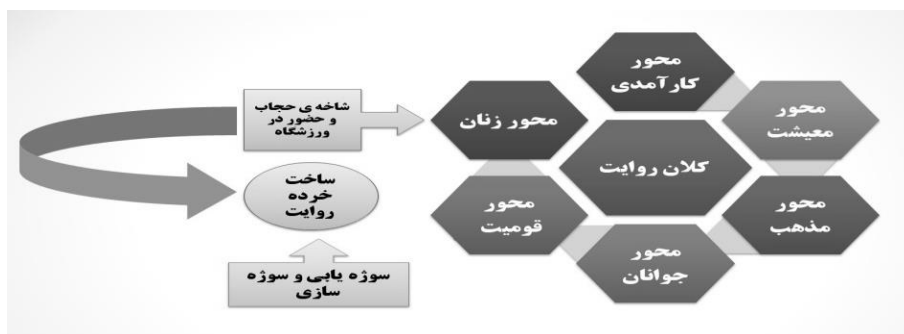
### کلان‌روایت آمریکا از ایران در جنگ هیبریدی

وقتی آمریکا سلسله شکست‌های میدانی را از ایران متحمل شد و نتوانست به اهداف راهبردی خودش دست یابد، برای اینکه مقاومت ایرانی برای دنیا الگوسازی نشود، مجبور شد شکست میدانی خودش را در عرصه رسانه به گونه دیگری روایت کند. آنها برای حفظ آبرو و البته حفظ امیدهای واهی هواداران خود که عمق استراتژیکی آمریکا در ایران به شمار می‌آیند، از خرده‌روایت‌های روزانه برای تثبیت یک کلان‌روایت بهره می‌برند؛ اینکه نظام حاکم بر ایران کاملاً ناکارآمد و رو به سقوط و نابودی است و هیچ دست‌آوردی نداشته است.

جنگ روایت‌ها در چند مرحله اصلی انجام می‌شود:

- ۱- طراحی یک «اَبَرروایت» یا کلان‌روایت؛
- ۲- تعیین محورهای اصلی روایت‌ساز؛
- ۳- طراحی و پردازش خرده‌روایت‌ها؛
- ۴- سوژه‌یابی و سوژه‌سازی در تولید و تأمین محتوا؛
- ۵- انتشار محتوا تحت قالب رسانه‌ای.

مثال این گزاره: آمریکا ابرقدرت اول دنیا است و ما نه توان رویارویی با او را داریم، نه توان استقلال همه‌جانبه و خوداتکایی؛ به عبارت دیگر «ما نمی‌توانیم»؛  
 به همین دلیل نتوانستیم بعد از چهل سال پیشرفت کنیم  
 یا انرژی هسته‌ای برای ما در دسرساز است و باید رهاش کنیم.  
 بر اساس همین روایت‌های کلان و خرده‌روایت‌ها همچون سیاه‌نمایی اوضاع کشور، درشت‌نمایی ضعف‌ها، دوقطبی‌سازی‌های کاذب، شایعه‌پردازی‌های رسانه‌ای و انگاره‌سازی ذهنی که انجام می‌شود، اذهان و افکار مردم و سپس قلوب آنها به صورت گروگان اخبار و تحلیل‌های ساختگی و غیرواقعی درمی‌آید.



### اهداف راهبردی ایران در جهاد تبیین

متناسب با این شیوه نبرد، رهبر انقلاب نیز دکترین جهاد تبیین را بیان کردند تا با تلاش مجاهدانه نیروهای اصیل انقلابی، آمریکا متحمل شکست نهایی حتی در عرصه رسانه‌ای شود.  
 گفتنی است هر نوع تبیینی جهاد نیست و نمی‌توان کارهایی که در گذشته در عرصه تبلیغ و تبیین می‌کردیم، همه را با یک عنوان پیشینی جهاد بیامیزیم و جهاد تبیین بنامیم، بلکه تبیینی جهاد تبیین است که در جهت مبارزه با کلان‌استراتژی و کلان‌روایت دشمن باشد تا اینکه با

استراتژی خودی دفاع، استراتژی دشمن به چالش کشیده شود.<sup>۱</sup> آنچه باید مدنظر داشت، این است که جهاد تبیین نیز روی دو خط «واقعیت» و «روایت» استوار است و اگر در عرصه واقعیت نتوانیم به اهداف راهبردی خود دست یابیم، در عمل جهاد تبیین را باخته‌ایم و باید این نکته را به مردم گوشزد کنیم.

### راهبرد جمهوری اسلامی در برابر ایران

راهبردی که جمهوری اسلامی برای ایران پس‌انقلاب طراحی کرده است، در طول تاریخ ایران کم‌نظیر و بلکه بی‌نظیر است؛ راهبردی که متناسب با ظرفیت‌ها و موقعیت ژئوپلیتیکی ایران است و عدم بهره‌گیری و به‌کارانداختن این ظرفیت‌ها کفر نعمت است. از آنجا که نظام جمهوری اسلامی برآمده از انقلاب اسلامی است و اسلام ذاتاً ماهیتی جهان‌شمول و فراگیر دارد، به‌ناچار در پی تشکیل تمدنی نوین برآمده از اسلام ناب در سطح جهانی است؛ این تمدن نوین بدون یک کشور و ملت پیشران شکل نخواهد گرفت؛ بنابراین راهبردی که جمهوری اسلامی برای ایران طراحی کرده است، تبدیل ایران به «کشور پیشران» تمدن نوین اسلامی است؛ کشوری مقتدر و پیشرفته با بازدارندگی راهبردی در سطح جهانی با ملتی بزرگ و الهام‌بخش برای سایر ملل دنیا.

«ایران پیشران» ثمره «دولت اسلامی» است. مراد از دولت اسلامی یعنی دستگاه حاکمه‌ای که هوشمندانه و با دوشیوه نرم و سخت، مبتنی بر اهداف اسلامی جامعه را جهت دهد و جامعه‌سازی کند. بدیهی است بدون دولت نمی‌توان به جامعه و کشور پیشران دست یافت. بر اساس درک این ضرورت، رهبر انقلاب در طراحی مراحل استراتژیک انقلاب اسلامی برای دستیابی به اهداف، دولت اسلامی را مقدم بر جامعه اسلامی می‌داند و ایجاد دولت اسلامی را مرحله سوم از طراحی راهبردی پنج‌مرحله‌ای بیان کرده‌اند. کلان‌پروژه‌ای که از این پنج مرحله شکل یافته است: قیام، نظام‌سازی، دولت‌سازی، جامعه‌سازی یا کشورسازی و در نهایت تمدن‌سازی.

اگر در رأس جامعه‌ای، دولتی غیراسلامی و غیرمشروع قرار گیرد، جامعه نیز غیراسلامی می‌شود؛ اما اگر در رأس جامعه، دولتی اسلامی و مشروع باشد، می‌توان جامعه را در یک فرآیند هوشمندانه مبتنی بر به‌کارگیری قدرت نرم و سخت به سمت اسلامی شدن هدایت کرد و برون‌داد

۱. برای مطالعه بیشتر ر.ک به:

این فرآیند، جامعه اسلامی یا کشور پیشران شود. در واقع دستیابی به بازدارندگی راهبردی در نبرد جنگ سرد ایران و آمریکا و ایجاد ایران پیشران برای دستیابی به تمدن نوین اسلامی، شکل‌دهی به دولت اسلامی که همه بخش‌های آن برآمده از مبانی اسلامی و در خدمت اهداف اسلامی باشد، امری ضروری و مقدماتی است؛ بنابراین ایران پیشران محصول دولت اسلامی است و مرحله چهارم از کلان‌پروژه انقلاب اسلامی به شمار می‌رود.

در حقیقت ایران با جامعه‌ای برآمده از دولت اسلامی که قدرتی بازدارنده در سطح جهانی دارد، نقش پیشرانی تمدن نوین اسلامی را ایفا خواهد کرد؛ چه اینکه تاریخ نشان می‌دهد هر واحد تمدنی از کنار هم قرارگرفتن چند جامعه، ملت و کشور که ذیل یک ایدئولوژی واحد و اهداف راهبردی مشخصی باشند، شکل گرفته است؛ اما بین آن جوامع، ملت‌ها یا کشورها یک ملت و کشور نقش اساسی‌تری را دارد و نقش پیشرانی و هدایت کلی آن واحد تمدنی را بر عهده می‌گیرد؛ زیرا کشورهای کوچک‌تر و «غیروایبلتر» درون آن واحد تمدنی، توانایی بقای مستقل را ندارند و به‌ناچار به یک کشور پیشران که در کتاب جنگ سرد ایران و آمریکا تبیین شده است، اتکا می‌کنند. این نقش در گذر تاریخ و با رشد تکنولوژی امکان ظهور و بروز بیشتری به خود گرفته است؛ چراکه اعمال قدرت آسان‌تر از گذشته است.

### کلان‌روایت ایران از آمریکا در جهاد تبیین

کلان‌روایت ایران از آمریکا که به‌نوعی معرفی واقعیت آمریکاست، این است که آمریکا شیطان بزرگ و اهریمنی جهانی است که برای کل بشریت مضر است؛ باید این نکته را با خرده‌روایت‌های روزانه تثبیت کنیم و از طرفی نگذاریم آمریکا کلان‌روایت خودش علیه ما را تثبیت کند. بنابراین در جهاد تبیین باید متوجه این نکات و مسائل باشیم و به‌خوبی بدانیم و آن را تبیین کنیم که جهان معاصر ما با دروغ بزرگی به نام «لیبرالیسم» مبتلاست؛ چه اینکه بی‌تردید هر تمدنی مبتنی بر یک خاستگاه دینی و ایدئولوژیک بنیان نهاده شده است و بی‌شک می‌توان گفت هم دین و هم ایدئولوژی که بدیل دین به شمار می‌رود، مثل یک نخ تسبیح عمل می‌کنند و دانه‌های تسبیح هرچند کوچک یا بزرگ، نیازمند نخ هستند که آنها را نگه دارد و از فروریختن و افول آنها جلوگیری کند.

در طول تاریخ بشریت ایدئولوژی‌ها ایجاد شدند که جای ادیان را بگیرند و بر خلاف ادیان که در پی رشد و آگاهی صادقانه از جانب خالق هستی بودند، هدفی جز اغوا و آگاهی کاذب از جانب طاغوت‌ها نداشتند. به همین دلیل ایدئولوژی‌ها بر خلاف ادیان همواره به دلیل

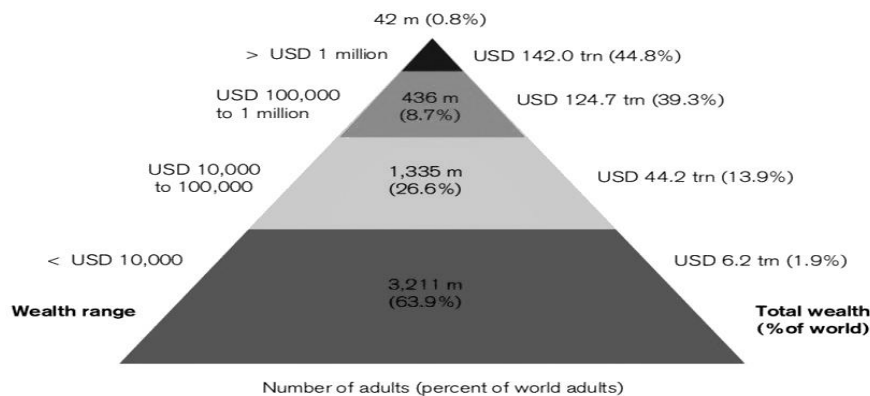


سست بودن و کاذب بودن مثل تارهای عنکبوت چندصباحی به طور کاذب نقش نخ تسبیح را بازی می‌کردند؛ اما به تدریج رو به افول گذاشته و با اندک تکانه‌ای فرو می‌پاشیدند. تاریخ پر است از تراژدی‌های فروپاشی ایدئولوژی‌ها و تمدن‌های طاغوتی، تمدن‌هایی که به ظاهر بزرگ بودند و قدرتمند به شمار می‌آمدند؛ اما به دلیل اتکا به ایدئولوژی کاذب فرو پاشیدند. فروپاشی ایدئولوژی مارکسیسم به دلیل سست بودن و به تبع آن فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در این راستاست.

ایدئولوژی لیبرالیسم و نتولیرالیسم نیز به مثابه دینی کاذب که ایالات متحده آمریکا تجلی این دین و این تمدن است، از این قاعده مستثنی نیست. نتولیرالیسم با شعارهای پررنگ و لعابی همچون آزادی، برابری، همکاری، زندگی مسالمت‌آمیز، اقتصاد جهانی، جهانی شدن و ... به صحنه آمد تا بشر را نجات دهد؛ اما همه این شعارهای «اتوپیاگونه» به تراژیک‌ترین شکل ممکن تبدیل به ضدخود شدند.

جالب است بدانیم زمانی که اندیشمندان اقتصادی بر سرمایه‌داری، تجارت آزاد، دست نامرئی بازار و سایر آموزه‌های اقتصادی لیبرالیسم و نتولیرالیسم تاکید داشتند، هرگز فکر نمی‌کردند این ایده‌ها جهان را به جایی برساند که چنین هرمی در توزیع ثروت ایجاد شد:

Figure 1: The global wealth pyramid 2018



Source: James Davies, Rodrigo Lluberas and Anthony Shorrocks, Credit Suisse Global Wealth Databook 2018

هرمی که بر اساس آخرین آمارهای رسمی در سال ۲۰۱۸ نشان می‌دهد کمتر از یک درصد جمعیت دنیا، در حدود ۴۵ درصد ثروت جهانی را در اختیار دارند. اگر به سطح بعدی توجه شود، متوجه خواهیم شد حدود ۹ درصد از جمعیت جهانی، ۴۰ درصد ثروت را دارند؛ یعنی

۸۵ درصد ثروت جهانی، در اختیار تنها ده درصد از جمعیت جهان است و ۶۳ درصد از مردم جهان تنها نزدیک به ۲ درصد از ثروت جهانی را دارا هستند؛ یعنی ثمره تجویزات نئولیبرالیسم به تراژیک‌ترین شکل ممکن رخ نمود و محصول آن تشکیل هرمی نابرابر و ظالمانه است. داستان زمانی جالب‌تر می‌شود که بدانیم این هرم مخصوص دنیا نیست، بلکه در مهد نئولیبرالیسم یعنی آمریکا نیز دقیقاً با همین چینش مواجه هستیم و طبقات متوسط به پایین آمریکا، هرچه فقیرتر و فقیرتر شده‌اند.

افزون بر اینکه یک درصد الیگارش‌ی آمریکا چون علاقه به سود بیشتر دارد، در این سال‌ها با استفاده از شعار جهانی شدن، کارخانه‌های زیادی را از آمریکا به کشورهایی همچون مکزیک، چین و سایر کشورها منتقل کرده‌اند تا از معافیت‌های مالیاتی بیشتر، نیروی کار ارزان‌تر و بازار مصرف بزرگ‌تری بهره‌مند شود. همچنین در داخل آمریکا سرمایه داران و صاحبان شرکت‌های بزرگ آی‌تی و سایر شرکت‌ها علاقه به استخدام مهاجرین با ضریب هوشی بالاتر و البته قانع‌تر دارند؛ بنابراین با توجه به این دو علت، هم کارخانه‌های زیادی در آمریکا تعطیل شد و هم آمریکایی‌های اصیل‌تر کار خود را از دست دادند.

توقف رشد اقتصادی آمریکا و همین‌طور سستی تئوری نئولیبرالیسم که عامل نابرابری شدید در عرصه جهانی و داخلی آمریکا شد، منجر به افول قدرت جهانی آمریکا شده است و متأسفانه ما نتوانسته‌ایم این مسئله را خوب روایت کنیم؛ بنابراین در جهاد تبیین و جنگ هیبریدی وظیفه ماست که به‌خوبی با بهره‌گیری از سوژه‌ها و خرده‌روایت‌های مختلف این کلان‌روایت را برای مردم ایران و جهان تثبیت کنیم.

### منابعی برای مطالعه بیشتر

۱. ایوانز، گراهام و جفری نونام؛ فرهنگ روابط بین‌الملل؛ ترجمه حمیرا مشیرزاده؛ تهران: نشر میزان، ۱۳۸۱.
۲. خامنه‌ای، سیدعلی؛ طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن؛ چ یازدهم، مشهد: صهبا، ۱۳۹۶.
۳. \_\_\_\_\_؛ هم‌زمان حسین؛ تهران: مؤسسه پژوهشی انقلاب اسلامی، ۱۳۹۶.
۴. خمینی، سیدروح‌الله؛ ولایت فقیه؛ تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، ۱۳۷۸.
۵. رنجبر، محمدعلی و سام ترابی؛ جنگ سرد ایران و آمریکا؛ تهران: انتشارات نخبگان، ۱۳۹۹.
۶. شاه‌آبادی، محمدعلی؛ شذرات المعارف؛ تهران: ستاد بزرگداشت مقام عرفان، ۱۳۸۰.

۷. فرامکین، دیوید؛ صلحی که همه صلح‌ها را بر باد داد؛ ترجمه حسن افشار؛ تهران: ماهی، ۱۳۹۵.

۸. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران؛ تفسیر نمونه؛ تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۰.

۹. نقیب زاده، احمد؛ تاریخ دیپلماسی و روابط بین‌الملل؛ تهران: قومس، ۱۳۸۸.

10. Phillips, Kevin. *The Cousins' War: Religion, Politics, Civil Warfare and the Triumph of Anglo-America*, Basic Books, 2000.

11. Phillips, Kevin. *Wealth and Democracy: A Political History of the American Rich*. Broadway Books, 2003.

12. Spykman, Nicholas J. *The Geography of the Peace*, New York, 1944.

13. Teicher, Howard and Radley Teicher, Gayle. *Twin Pillars to Desert Storm: America's Flawed Vision in the Middle East from Nixon to Bush*, New York: Morrow, 1993.

14. <https://farsi.khamenei.ir/print-content?id=49572>.

15. <https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=26000>

